

اشتغال زنان، نشاط زناشویی و گرایش به طلاق (مطالعه موردی: متأهلان شهر تهران)

فاطمه مدیری^{۱*}، علی رحیمی^۲

چکیده

این مقاله با هدف بررسی تأثیر اشتغال زنان بر پایداری خانواده، به مقایسه خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل پرداخته است. جامعه آماری این پیمایش، زنان و مردان متأهل شهر تهران است و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای هزار و ۷۳۶ نمونه از ۵۰ حوزه شهر تهران انتخاب شد و در تجزیه تحلیل نهایی به کار گرفته شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد: نشاط زناشویی در مردان خانواده‌های هردو شاغل بیش از مردان خانواده‌های تک‌شاغل است. درآمد و منزلت شغلی بالا در مردان خانواده‌های تک‌شاغل با کاهش نشاط زناشویی و در زنان خانواده‌های تک‌شاغل افزایش درآمد با افزایش نشاط زناشویی در ایشان همراه است. همبستگی نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در زنان خانواده‌های هردو شاغل بیش از زنان خانواده‌های تک‌شاغل و در مردان خانواده‌های تک‌شاغل بیش از مردان خانواده‌های هردو شاغل است. هزینه‌کرد مالی اشتراکی در خانواده‌های هردو شاغل بیش از خانواده‌های تک‌شاغل و تضاد میان کار و خانواده در آن‌ها کمتر است. به‌طور کلی، می‌توان گفت یافته‌هایی که نشان دهد اشتغال زنان پایداری خانواده را تضعیف می‌کند مشاهده نشد، اما اشتغال زنان منابعی را برایشان فراهم می‌کند که از آن می‌توانند در انحلال زندگی زناشویی ناخوشایند استفاده کنند. با توجه به اینکه نشاط زناشویی و گرایش به طلاق از شرایط شغلی متأثر است، به‌کارگیری سیاست‌های مناسب اشتغال می‌تواند در پایداری خانواده کمک‌کننده باشد. یافته‌های تحقیق تأییدکننده تئوری‌های مبادله، فرصت اقتصادی و اقتصاد خانه جدید است.

کلیدواژه‌ها

اشتغال زنان، پایداری خانواده، خانواده‌های تک‌شاغل، خانواده‌های هردو شاغل، گرایش به طلاق، نشاط زناشویی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، ازدواج و طلاق، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
Fateme.modiri@psri.ac.ir
 ۲. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، ازدواج و طلاق، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
ali.rahimi@psri.ac.ir
- * این مقاله مستخرج از طرح مصوب مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور با عنوان سبک زندگی متأهلین و تعیین‌کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر تهران) است که با حمایت مالی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اجرا شده است.
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸

مقدمه و بیان مسئله

شواهد حاکی از آن است که در چند دهه گذشته، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در بسیاری از کشورهای جهان روندی صعودی داشته است. به طوری که در حدود نیم قرن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در امریکا از ۲۹ به ۵۶/۸، در برزیل از ۱۸/۴ به ۴۹/۴، در سنگاپور از ۱۹/۲ به ۵۰/۲، در ژاپن از ۳۲/۳ به ۴۹/۱، در مصر از ۵/۲ به ۱۴/۵ و در اندونزی از ۲۹/۳ به ۵۶/۵ درصد افزایش داشته است [۲۵]. گرایش روزافزون زنان به بازار کار در زنان متأهل نیز وجود داشته و براساس مطالعات انجام شده، در امریکا، طی سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰، نرخ مشارکت زنان متأهل در نیروی کار از ۵ درصد (یک‌هشتم زنان مجرد) به بیش از ۶۰ درصد (تنها ۶ درصد کمتر از زنان مجرد) افزایش یافته است [۲۳].

تغییر الگوی زندگی خانوادگی از یک نفر شاغل^۱ به هردو شاغل^۲، در بسیاری از کشورهای جهان رخ داده و الگوی ثابت مرد نان‌آور و زن خانه‌دار را دستخوش تغییراتی کرده است. اگرچه در ابتدا مسائل اقتصادی انگیزه اصلی زنان برای ورود به بازار کار بود، امروزه حتی زنان طبقه مرفه نیز برای کسب موفقیت‌های فردی، اجتماعی و دیگر امتیازاتی که به دنبال اشتغال به دست می‌آید، به کار خارج از منزل تمایل دارند [۲۶]. ورود زنان به بازار کار موجب شده ایشان که تا پیش از این فقط با مادری و همسری ایفای نقش می‌کردند، حامل نقش‌های متفاوت و چندگانه‌ای باشند که پیامدهای مثبت و منفی آن فرد، خانواده و نظام اجتماعی را در سطح وسیعی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این بین، نهاد خانواده به منزله یکی از کانون‌های مهم تأثیرپذیر از اشتغال زنان تشخیص داده شده و بسیاری از محققان نشان داده‌اند اشتغال زنان، بیش از همه، می‌تواند روابط زن و شوهر و فرزندان را دگرگون کند [۱۴].

در تأثیر اشتغال زنان بر روابط میان همسران، نتایج متفاوت و گاهی متناقض به چشم می‌خورد. برخی معتقدند اشتغال زنان به اشکال گوناگون موجبات گسست زندگی زناشویی را فراهم کرده است؛ مثلاً پژوهش‌های میدانی در برخی کشورهای غربی گواه این واقعیت است که وقوع طلاق در میان زنان شاغل تقریباً دوبرابر طلاق در میان همه زنان و چهاربرابر زنان غیرشاغل است [۱۱]. برخی آن را تسهیل‌کننده طلاق [۳۳؛ ۳۴]، بیمه‌کننده پیامدهای اقتصادی طلاق [۲] یا عاملی در افزایش تمایل به طلاق دانسته‌اند [۳۵] و برخی استقلال مالی زنان را عامل شکننده‌تر شدن روابط زوجین می‌دانند [۲۱]. بر این اساس، مشارکت اقتصادی زنان سهم آنان در بودجه خانواده را با اهمیت می‌کند و قدرت چانه‌زنی‌شان را به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد. از این‌رو، می‌توانند بدون واهمه از واکنش‌های تند درباره نکات مورد اختلاف، بحث و امتیازگیری کنند و ساختار عمومی خانواده را به چالش بکشند [۱۵]. برخی

1. single-worker family
2. dual-worker family

شرایط موجود در کار زنان، مانند کار نامنظم یا ساعات کاری، را موجب اختلال در زندگی زناشویی معرفی کرده‌اند [۶؛ ۳۲؛ ۳۷]. برخی پژوهش‌گران نیز به تأثیرات مثبت اشتغال زنان بر روابط همسران اشاره داشته‌اند. ایشان نشان داده‌اند رضایت زناشویی در زوجین هر دو شاغل بیشتر و طلاق در این خانواده‌ها کمتر است [۳۱؛ ۳۶]. برخی نیز نشان داده‌اند در زوجین هر دو شاغل مردان مسئولیت بیشتری را در خانه برعهده دارند و با برقراری روابط مساوی و تقسیم مسئولیت خانه، میزان رضایت زناشویی بین آنان افزایش می‌یابد [۱؛ ۳۲].

در ایران نیز، آمارها روند افزایشی نرخ مشارکت اقتصادی زنان را نشان می‌دهد؛ به طوری که این شاخص از ۹/۲۵ در سال ۱۳۳۵ به ۱۵/۷ در سال ۱۳۹۰ رسیده است [۱۹؛ ۲۰] و هر روز بر تعداد زنانی که تمایل به اشتغال در بیرون از منزل دارند افزوده می‌شود [۱۴]. در بیان تأثیر اشتغال زنان بر پایداری خانواده، یافته‌ها متفاوت است. برخی بر پیامدهای منفی اشتغال زنان بر روابط زناشویی تأکید کرده‌اند [۲؛ ۹؛ ۱۰] و برخی بر اثرات مثبت اشتغال زنان بر نشاط زناشویی صحه گذارده‌اند [۲؛ ۸؛ ۱۳؛ ۲۲]، عده‌ای نیز تفاوت معناداری را گزارش نکرده‌اند [۱۲].

نتایج متفاوت تحقیقات داخلی و خارجی نشان می‌دهد تأثیرپذیری روابط میان همسران از اشتغال زنان، به متن هر جامعه، شرایط ساختاری آن و همچنین ارزش‌ها و نگرش‌های افراد همان جامعه بستگی دارد و نمی‌توان و نباید نسخه واحدی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی به کار برده شود. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع، سیر فزاینده اشتغال زنان، روند صعودی طلاق و برخی آسیب‌های خانواده و همچنین نتایج متفاوت حاصل از تحقیقات، در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی هستیم که در جامعه ما تأثیر اشتغال زنان بر پایداری زندگی زناشویی چگونه است؟ در این زمینه، به مقایسه نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در زنان و مردان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل پرداخته‌ایم که می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های پایداری خانواده مطرح باشند.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در حوزه اشتغال زنان و تأثیر آن بر پایداری زندگی زناشویی تئوری‌هایی مطرح شده که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) تئوری تخصیص نقش (وابستگی متقابل): در دهه ۱۹۵۰ پارسونز^۱ تئوری تخصیص نقش جنسی را مطرح کرد و آن را برای دوام و بقای خانواده ضروری دانست. پارسونز با رهیافت کارکردگرایی، تمایزی بین نقش‌های ابزاری^۲، که مرد را نان‌آور و رئیس خانواده می‌دانست، با

1. role specialization (interdependence)
2. Parsons
3. instrumental role

نقش‌های ابرازی^۱ به عمل آورد که در آن زنان حافظان خانه و مسئول مراقبت از اعضای آن و مادرانی دل‌سوز قلمداد می‌شوند [۲۱]. پارسونز این تقسیم نقش را بهترین شکل برای حفظ وحدت خانوادگی می‌دانست و تداخل هر نوع نقش دیگر را سبب برهم خوردن تعادل زندگی به حساب می‌آورد. زن با شاغل شدن نقش ابرازی خود را از دست می‌دهد و به رقیب شغلی شوهر تبدیل می‌شود و رقابت زن و شوهر با یکدیگر سبب ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود [۴]. مطابق با تئوری پارسونز، جامعه‌شناسان کارکردگرا، نقش اساسی زنان را در جامعه برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزندزایی دانسته و با هر تغییری در این نقش‌ها مخالفانند [۱۴]. هلموت شلسکی^۲ از جامعه‌شناسانی است که در ترسیم شکل مطلوب خانواده تلاش کرده است. او خانواده را تنها «باقی‌مانده ثبات اجتماعی» می‌داند. شلسکی سلطه طبیعی مرد بر سایر اعضای خانواده را به‌منزله ضامن حفظ کارکردهای خانواده می‌داند و بر خانه‌داری زن تأکید دارد، زیرا فقط در این حالت کارایی منحصر به فرد خانواده، که سبب تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت می‌شود، تضمین می‌شود. از دید شلسکی، این مجموعه، یعنی پدر نان‌آور قدرتمند و مادر مسئول فرزندان، را باید برای حفظ ثبات اجتماعی به هر قیمتی حفظ کرد [۴].

بکر (۱۹۸۱) مفهومی مشابه را با استفاده از مفاهیم اقتصادی مطرح کرد. در این دیدگاه، بهترین استراتژی کارآمد برای زن و همچنین برای مرد زمانی ایجاد می‌شود که یکی از زوجین در مهارت‌هایی که با افزایش درآمد در ارتباط است تخصیص نقش یابد و دیگری در سرمایه‌هایی غیربازار کار مانند نگهداری محیط خانه و پرورش فرزندان. بکر معتقد است اگر زن و مرد هر دو در اشتغال مشارکت داشته باشند دستاوردهای ازدواج کاهش می‌یابد [۳۴].

ب) **تئوری فرصت اقتصادی**^۳: این دیدگاه انحلال زندگی زناشویی را پیامد ازدواج نارضایت‌مند می‌داند. به اعتقاد ایشان، اشتغال زنان عامل نارضایتی زندگی زناشویی نیست، اما قدرت مالی برای زنان به دنبال دارد که از این قدرت می‌توانند در انحلال زندگی زناشویی ناخوشایند، استفاده کنند. این فرضیه پیونددهنده رابطه میان افزایش اشتغال زنان و افزایش طلاق است [۳۴].

ج) **تئوری اقتصاد خانه جدید**^۴: براساس تئوری اقتصاد خانه جدید، اقتصاد سرمایه زناشویی ویژه را افزایش و شانس انحلال زناشویی را کاهش می‌دهد. بر این اساس، اشتغال زن به‌رغم مدت زمان غیبت زن در خانه، از آنجا که کسب درآمد بیشتری را به دنبال دارد، الزاماً موجب نارضایتی زندگی زناشویی نمی‌شود. اقتصاددانان به نقش مهم شغل به‌منزله عامل انسجام‌بخش زناشویی با افزایش سود اقتصادی تأکید دارند [۲۴].

-
1. expressive role
 2. Helmut Schelsky
 3. economic opportunity
 4. new home economics

د) **تئوری مبادله**: از دیدگاه تئوری مبادله، زندگی خانوادگی میدانی است که زوجین در آن آن براساس سود و زیان به مبادله و تعامل می‌پردازند و چنانچه احساس کنند در این بین دچار زیان شده‌اند، ابتدا سعی می‌کنند روابطشان را ترمیم کنند و در صورت موفق نشدن، به کناره‌گیری از ادامه مبادله و درنهایت، احتمالاً به جدایی و طلاق اقدام می‌کنند [۸]. براساس این تئوری، اشتغال زنان می‌تواند تسهیل‌کننده طلاق باشد و افرادی متأهل باقی می‌مانند که فواید باقی ماندن باهم از مضرات آن بیشتر باشد.

پیشینه مطالعات خارجی پیامدهای متفاوت اشتغال زنان بر پایداری زندگی زناشویی را گزارش کرده‌اند. راجرز و دی‌بر نشان داده‌اند اشتغال و کسب درآمد زنان متأهل می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر زوجین داشته باشد، اما درنهایت تأثیر مثبتی بر ثبات زندگی زناشویی دارد. طبق یافته‌های این مطالعه، افزایش درآمد زنان به‌طور معناداری نشاط زناشویی آن‌ها را افزایش می‌دهد، اما تأثیر معناداری بر مردان ندارد. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که افزایش درآمد زنان تأثیری بر احتمال طلاق ندارد، اما می‌تواند به‌طور غیرمستقیم و با افزایش نشاط زناشویی زنان خطر طلاق را کاهش دهد [۳۱].

راز یوروویچ نیز در مطالعه‌ای که روی زوجین هر دو نان‌آور انجام داده، نشان داده ثبات شغلی زوجین و نیز اشتراک‌گذاری بیشتر درآمد بین آن‌ها ثبات بیشتر ازدواج را به همراه دارد و اگرچه درآمد مردان احتمال بروز طلاق را کاهش می‌دهد، درآمد برابر یا بیشتر زنان به مردان، بر افزایش احتمال طلاق آن‌ها مؤثر است. همچنین، ساعات کاری زنان و بخشی که در آن مشغول به کارند نیز بر عدم پایداری ازدواج اثر مثبت می‌گذارد [۳۰].

تیچمن در یک مقطع زمانی ۲۵ ساله (۱۹۷۹-۲۰۰۴)، ارتباط بین منابع مالی زنان و خطر وقوع طلاق را بررسی کرده و نشان داده مشارکت زنان در بازار کار باعث ثبات بیشتر ازدواج می‌شود، اما درآمد بیشتر آنان، احتمال بی‌ثباتی ازدواج را افزایش می‌دهد [۳۵].

راگلز نشان داده رابطه میان اشتغال زنان و افزایش طلاق رابطه‌ای معنادار و مثبت است [۳۴]. سایر و بیانچی برای پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا استقلال مالی زنان خطر وقوع طلاق را بالا می‌برد یا خیر، از داده‌های طولی بررسی ملی خانوارها استفاده کردند. آن‌ها در این مطالعه به ارتباطی نسبتاً ضعیف رسیدند. این دو محقق به این نتیجه رسیدند که تعهد در ازدواج و رضایت زناشویی در مقایسه با استقلال مالی، تعیین‌کننده‌های مهم‌تری برای انحلال زناشویی‌اند. به تعبیر دیگر، استقلال اقتصادی زن فقط در خروج از ازدواج‌های ناخوشایند^۲ اثرگذار است، نه در همه ازدواج‌ها [۳۳]. شون و همکاران نیز در مطالعه‌ای که در امریکا انجام دادند، نتایج مشابهی را بازگو کردند. آن‌ها نشان دادند اشتغال زنان خطری برای انحلال

ازدواج‌های شاد^۱ به‌شمار نمی‌رود، اما در ازدواج‌های ناخوشایند خطر انحلال ازدواج را افزایش می‌دهد [۳۴].

به‌رغم اینکه در بسیاری از مطالعات خارجی تأثیر مثبت یا منفی اشتغال و کسب درآمد اقتصادی زنان بر نشاط و پایداری زناشویی تأیید شده، در بخشی از مطالعات نیز تأثیرگذاری آن رد شده است؛ مثلاً، می‌توان به مطالعه لاکسلی و وایت اشاره کرد. لاکسلی با استفاده از داده‌های یک طرح ملی، تأثیر اشتغال زنان بر سازگاری^۲ و مصاحبت^۳ زوجین را در یک نمونه ۲ هزار و ۳۰۰ نفری در جامعه آمریکا بررسی کرد. او به این نتیجه رسید که در پاسخ‌گویان مرد و همچنین زن، زوجین هر دو شاغل و زوجین تک‌شاغل تفاوت معناداری از نظر سازگاری و وفاق زناشویی نشان نمی‌دهند. او بر یافته‌های متناقض صاحب‌نظران در این حوزه اشاره دارد؛ از جمله پارسونز که معتقد بود بیشترین کارکرد خانواده با خانواده تک‌نفران‌آور است و برخی همچون ادوس^۴ (۱۹۶۹)، فلدبرگ و کن^۵ (۱۹۷۶)، کانتر^۶ (۱۹۷۷)، ریسمن^۷ (۱۹۵۳) که به تأثیر مثبت اشتغال زنان بر روابط خانوادگی و زناشویی معتقدند [۲۸]. وایت نیز در مطالعه‌ای که بر نمونه‌ای ۲ هزار و ۳۴ نفری از زنان و مردان جامعه آمریکا انجام داد، به این نتیجه رسید که مشغله‌های کاری مردان و زنان، تعداد فرزندان و تقسیم کار سنتی خانه می‌تواند نسبت زمانی را که زوجین با یکدیگر سپری می‌کنند کاهش دهد. او ضمن اشاره به این موضوع که تعیین‌کننده‌های تعاملات زوجین در گروه‌های قومی و نژادی متفاوت است، تأثیر اشتغال زنان بر سازگاری و وفاق زناشویی را رد می‌کند [۳۷].

مطالعات داخلی نیز نتایج متفاوتی را در تبیین تأثیر اشتغال زنان بر زندگی زناشویی مطرح کرده‌اند. طهماسبی و همکاران در شهرکرد ۲۰۰ زن شاغل در مدارس و ۲۰۰ زن خانه‌دار را با هم مقایسه کردند و نشان دادند که میانگین نمره رضایت زناشویی زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است. در زنان شاغل، بین میزان رضایت‌مندی از زندگی زناشویی و سطح درآمد ارتباط معناداری وجود دارد. اشتغال زنان با تأثیر بر امکانات رفاهی خانواده، افزایش میزان رضایت‌مندی از زندگی زناشویی را در پی داشته است [۱۳].

خضری و سیاهپوش در شهر ایذه نمره رضایت زناشویی را به نفع زنان شاغل نشان داده‌اند. در زنان شاغل با افزایش میزان تعادل در ساختار قدرت در خانواده، بر میزان رضایت‌مندی زناشویی افزوده شده، اما در زنان خانه‌دار، رابطه‌ای بین این دو متغیر دیده نشده است.

-
1. happy marriages
 2. adjustment
 3. companionship
 4. Aldous
 5. Feldberg & Kohen
 6. Kanter
 7. Reisman

یافته‌های این مطالعه همبستگی بین میزان درآمد و رضایت زناشویی در زنان شاغل را منفی و معکوس نشان داده است [۸]. اسفندیار نتیجه گرفته:

پژوهش‌ها درخواست طلاق از سوی زنان شاغل را بسیار بیشتر از درخواست طلاق از سوی زنان غیرشاغل نشان می‌دهد و استقلال اقتصادی زنان گاه انگیزه مردان را نیز برای طلاق تقویت می‌کند. ... در واقع، اشتغال زنان، به معنای کلی خود، باعث مشکل نمی‌شود؛ بلکه مسائل پیرامون آن زمینه را برای ایجاد اختلاف و ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها فراهم می‌کند [۲].

رستگار خالد نیز تعارض نقش شغلی و خانوادگی در خانواده‌های هردو شاغل را در جوامع در حال گذار و جوامع مدرن اجتناب‌ناپذیر می‌داند [۱۰].

نظری و سلیمانیان به منظور مقایسه رضایت زناشویی زوجین هردو شاغل و تک‌شاغل شهر بجنورد، پژوهشی را بر نمونه‌ای ۲۰۰ نفره (۵۰ زن و ۵۰ مرد هردو شاغل و ۵۰ مرد و ۵۰ زن تک‌شاغل) انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که زوج‌های هردو شاغل نسبت به زوج‌های تک‌شاغل وقت کمتری با یکدیگر صرف می‌کنند، اما در مجموع، مقایسه کلی رضایت زناشویی دو گروه نشان می‌دهد که زوج‌های هردو شاغل رضایت بیشتری نسبت به زوج‌های تک‌شاغل داشته‌اند [۲۲].

یافته‌های مطالعه خسروی و همکارانش تفاوت درخور ملاحظه‌ای را بین رضایت زناشویی دو گروه خانواده‌های تک‌شاغل و هردو شاغل نشان نداده است. در این مطالعه، دو گروه از زوجین (۴۰ زوج هردو شاغل و ۴۰ زوج تک‌شاغل ساکن شهر دامغان) که حداقل ۲ سال از زندگی زناشویی آن‌ها گذشته بود و دارای فرزند بودند انتخاب و بررسی شدند. یافته‌های کلی نشان داد که بین رضایت زناشویی زنان و مردان و نیز زوجین هردو شاغل و تک‌شاغل تفاوتی وجود ندارد [۷].

دوکانه‌ای فرد و همکارانش نیز در پژوهشی که در شهر تهران روی کارمندان متأهل بانک ملی انجام دادند، تفاوت‌های تعارض‌های زناشویی والدین هردو شاغل و والدین تک‌شاغل را بررسی کردند. این محققان در مطالعه خود دریافتند که نمره کل تعارض‌های زناشویی خانواده‌های هردو شاغل به صورت معناداری بیشتر از خانواده‌های یکی شاغل است [۹].

حیدری و حسین‌پور تأثیر نوبت کاری بر رضایت‌مندی زناشویی در میان پرستاران (۱۲۰ پرستار شاغل در نوبت شب و روز) را بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه، تفاوت رضایت‌مندی زناشویی پرستاران شب‌کار و روزکار را تأیید نکرده، اما نشان داده که میانگین دو مؤلفه «روابط جنسی» و «نظارت مالی» در زنان پرستار شب‌کار پایین‌تر است. حیدری و حسین‌پور نتیجه گرفته‌اند:

اکنون دیگر آشکارا نمی‌توان بین رضایت زناشویی شب‌کاران و روزکاران تفاوت معناداری مشاهده کرد، زیرا الزامات و فشارهای اجتماعی اقتصادی و حتی رایج شدن یک پدیده، بر نحوه برخورد و نگرش افراد نسبت به آن در گذشت زمان تغییر ایجاد

می‌کند، چراکه اگر قدرت انطباق و سازگاری انسان با تغییرات نبود و انسان نمی‌توانست با تغییرات جدید همگام و منطبق شوند، دچار مشکلات عدیده و حتی توقف حرکات و تغییرات اجتماعی می‌شد [۶].

از تئوری‌ها و پیشینه خارجی و داخلی چنین استنباط می‌شود که اشتغال زنان ذاتاً موجبات گسست زناشویی را فراهم نمی‌کند، اما مسائل پیرامون اشتغال، محاسبه سود و زیان در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل را در زنان و همچنین در مردان ایجاد می‌کند. هزینه‌ها و پاداش‌های خانواده‌های هردو شاغل می‌تواند ساعات کمتر حضور فیزیکی زنان در خانه، افزایش درآمد خانواده، شیوه هزینه‌کرد مالی، تضاد میان خانواده و محیط کار، مطالبات زنان شاغل، مشارکت مردان در کارهای خانگی و... باشد. اگر برآیند سود بیش از زیان باشد، پیامد آن نشاط زناشویی بیشتر و گرایش کمتر به طلاق است و اگر برآیند زیان بیش از سود باشد، نتایج معکوس را در پی خواهد داشت و در این حوزه تفاوت جنسیتی نیز وجود دارد. اشتغال و استقلال مالی برای زنان می‌تواند شرایط گریز از زندگی متلاطم زناشویی را تسهیل ببخشد. بر این اساس، تفاوت نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در خانواده‌های هردو شاغل با خانواده‌های تک‌شاغل، تفاوت نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در زنان و مردان خانواده‌های هردو شاغل با خانواده‌های تک‌شاغل، تفاوت تضاد میان کار و خانواده در خانواده‌های هردو شاغل با خانواده‌های تک‌شاغل، تفاوت رابطه درآمد و منزلت شغلی با نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در خانواده‌های هردو شاغل با خانواده‌های تک‌شاغل، تفاوت هزینه‌کرد مالی در خانواده‌های هردو شاغل با خانواده‌های تک‌شاغل، مفروض است که در ادامه به آزمون آن می‌پردازیم. شایان ذکر است از آنجا که تأثیر اشتغال زنان بر زندگی زناشویی در جوامع مختلف و در جامعه ما نتایج متفاوتی را در پی داشته، عمدتاً فرضیه‌های تحقیق بدون جهت مطرح شده‌اند.

روش و داده‌ها

این پژوهش، پیمایشی مقطعی با ابزار پرسش‌نامه در مقیاس لیکرت و در پی شناسایی تأثیر اشتغال زنان بر پایداری خانواده است. جامعه آماری این پژوهش افراد متأهل شهر تهران است. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ براساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸ میلیون و ۱۵۳ هزار و ۹۷۴ نفر بوده که در ۶ هزار و ۱۴۰ حوزه سکونت دارند و ۴ میلیون و ۲۶۲ هزار و ۴۷ نفر از این تعداد متأهل‌اند [۱۸]. با توجه به حجم بالای جامعه آماری و محدودیت زمان و بودجه، پژوهش در نمونه‌ای معرف و متناسب با شرایط انجام شد. حجم نمونه براساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است و با احتساب

اثر طرح^۱ برابر با ۲ و ضریب تعدیل بی‌پاسخی ۰/۲۵ حجم نمونه هزار و ۷۲۸ نفر در نظر گرفته شد و با احتساب ریزش احتمالی خانوارهای نمونه (تقریباً برابر ۰/۱۵)، متناسب با این نرخ در آمارگیری خانواده مرکز آمار ایران) به ۲ هزار نفر افزایش یافت. نمونه‌ها متأهل بودند و از هر خانوار مرد یا زن برای مصاحبه دعوت شدند.

شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای (PPS)^۲ بوده است. به این منظور، ابتدا تعداد متأهلان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (۴ میلیون و ۲۶۲ هزار و ۴۷ نفر) را در نظر گرفتیم و سپس با توجه به جمعیت هر منطقه تعداد نمونه هر منطقه را مشخص کردیم. همچنین، سه گروه سنی زیر ۴۰ سال، ۴۰ تا ۵۴ سال، ۵۵ سال و بالاتر را نیز لحاظ کردیم تا نمونه حتی‌المقدور معرف باشد. برای دستیابی به نمونه‌ها در هر منطقه، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی موجود بین مناطق شهر تهران و به‌منظور انتخاب نمونه‌ای معرف از این مناطق، از تقسیم جمعیت شهر تهران (۸ میلیون و ۱۵۳ هزار و ۹۷۴ نفر) که در ۶ هزار و ۱۴ حوزه پراکنده‌اند بر ۵۰ حوزه، فاصله انتخاب ۱۶۳۰۷۹/۴۸ به‌دست آمد. اولین حوزه به شکل تصادفی انتخاب شد؛ سپس با اضافه کردن فاصله انتخاب به اولین حوزه، حوزه دوم انتخاب شد و به همین ترتیب حوزه‌های دیگر انتخاب شدند. سپس با توجه به جمعیت هر منطقه و حوزه‌های انتخاب‌شده در آن منطقه و همچنین جمعیت هر حوزه، تعداد نمونه‌ها در هر حوزه مشخص شد. به این ترتیب، پراکندگی حوزه‌های انتخاب‌شده در عمل پراکنش متغیرهای مطالعه‌شده را تا حد درخور ملاحظه‌ای تأمین می‌کند.

نقشه‌های حوزه‌های منتخب از هر منطقه از مرکز آمار ایران تهیه شد. برای نمونه‌گیری، پرسش‌گران با مراجعه به حوزه‌های منتخب نمونه‌گیری و در منازل افراد، به جمع‌آوری داده‌های پرسش‌نامه نهایی، که بعد از تهیه پرسش‌نامه مقدماتی و آزمون مقدماتی آن تأیید شده بود، اقدام کردند. پرسش‌نامه‌های بی‌پاسخی بالا و نامعتبر کنار گذاشته شد و در نهایت هزار و ۷۳۶ پرسش‌نامه انتخاب و در تجزیه و تحلیل نهایی به کار گرفته شد. برای اعتبارسنجی متغیرها از اعتبار صوری مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان و اعتبار سازه^۳ و در پایایی گویه‌های پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. چنانچه مقدار آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۷ باشد، می‌توان گفت ابزار پایایی بالایی دارد [۵]. از نسخه ۱۹ نرم‌افزار SPSS در توصیف داده‌ها و از آزمون‌های آماری تحلیل واریانس، تفاوت میانگین و همبستگی پیرسون در تحلیل داده‌ها بهره بردیم. داده‌های این مقاله این فرصت را ایجاد می‌کند که زنان و مردان متأهل به‌عنوان نماینده یک خانواده، ویژگی‌های شهر تهران را ترسیم کنند. همچنین، امکان تحلیل جنسیتی به‌وجود آمده و همچنین امکان مقایسه خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل نیز فراهم شده است.

1. design effect
2. probability proportional to size
3. construct validity

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

نشاط زناشویی^۱: نشاط زناشویی معنایی است که توسط همسران ساخته شده و نشان‌دهنده داشتن یک حس خوب است و رضایت زناشویی یک مورد خاص رضایت از رابطه است و درجه‌ای که همسران ازدواج خود را از جنبه‌های مختلف ارزیابی می‌کنند. نشاط زناشویی با ۱۲ گویه، شامل: همسر شما چقدر شما را درک می‌کند، همسر شما چقدر به شما محبت می‌کند، رضایت شما از رابطه جنسی با همسران به چه میزان است، از رابطه همسران با فرزندان چقدر رضایت دارید، در خانواده شما همسر چقدر به وظیفه خود عمل می‌کند، از عملکرد همسران به چه میزان رضایت دارید، میزان رضایت شما از وفاداری همسران چقدر است، میزان رضایت شما از وضعیت مالی چقدر است، میزان شادی شما در خانه چقدر است، میزان رضایت شما از ازدواج با همسران به چه میزان است، میزان خوشبختی شما در ازدواج نسبت به دوستان و همسالان به چه میزان است، احساس قوی عشق به همسران به چه میزان است، سنجیده شده است. این مقیاس برگرفته از وایت [۳۷] و لاکسلی [۲۸] است. در تحلیل عاملی یک عامل از این ۱۲ گویه استخراج شد و متغیر نشاط زناشویی از ترکیب این ۱۲ گویه با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۹۳۴ می‌باشد.

گرایش به طلاق^۲: این متغیر با ۵ گویه برگرفته از مطالعه زو^۳ اندازه‌گیری شد: تا به حال چقدر در مورد طلاق فکر کرده‌اید، به چه میزان فکر می‌کنید که ممکن زندگی زناشویی شما در آینده از هم بپاشد، به چه میزان در مورد طلاق با دوستان نزدیک خود صحبت کرده‌اید، در سال‌های اخیر به چه میزان طلاق را به شکل جدی مطرح کرده‌اید، به چه میزان تا به حال سابقه جدایی از همسران داشته‌اید [۳۸]. در تحلیل عاملی یک عامل از این ۵ گویه استخراج شد و متغیر گرایش به طلاق از ترکیب این ۵ گویه با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۹۰۲ می‌باشد.

تضاد کار و خانواده^۴: برگرفته از تحقیق کاپلمن^۵ از ترکیب ۶ گویه (شامل: خواسته‌های همسر و فرزندانم باعث می‌شود نتوانم به خوبی به وظایف شغلی خود برسم، برای بیشتر بودن در خانه مجبورم بعضی از وظایف شغلی‌ام را رها کنم، به خاطر درخواست‌های همسر و فرزندانم نمی‌توانم وظایفم را در محل کار انجام دهم، زمان کار من به قدری زیاد است که به دشواری می‌توانم به مسئولیت‌های خانوادگی بپردازم، فشار محل کار باعث می‌شود بعضی کارهای خانه و خانواده را ترک کنم، به خاطر وظایف شغلی بعضی تفریحات و دید و بازدیدهای خانوادگی را لغو

1. marital happiness
2. tendency to divorce
3. Xu
4. work and family conflict
5. kopelman

می‌کنم) با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه متغیر تضاد کار و خانواده ساخته شد [۲۷]. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۹۲۹ است.

خانواده‌های هردو شاغل^۱: بنا به تعریف لاکسلی^۲ [۲۸]، زوجینی را که هر دو بیش از ۲۰ ساعت در هفته کار می‌کنند، هردو شاغل معرفی کرده‌ایم و خانواده‌های تک‌شاغل^۳ خانواده‌هایی هستند که تنها مرد شاغل است. این متغیر دوقسمتی و در سطح اسمی است (البته خانواده تک‌شاغل به لحاظ تعریف نظری می‌تواند شامل خانواده‌هایی که تنها زن شاغل هست نیز باشد، اما در این مقاله، با توجه به هدف، این تعداد محدود خانواده‌ها حذف شده و خانواده تک‌شاغل مترادف خانواده‌هایی است که مرد شاغل و زن غیرشاغل باشد).

هزینه کرد مالی^۴: از ترکیب ۳ گویه (شامل: در خانواده ما پول از سوی زن و مرد به‌طور مشترک نگهداری و خرج می‌شود، در خانواده ما مرد درآمدش را هرطور که می‌خواهد خرج می‌کند، در خانواده ما زن درآمدش را هرطور که می‌خواهد خرج می‌کند) ساخته شد. این متغیر در سطح فاصله‌ای با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد. در این بخش، از جامعه آماری خواسته شد به این گویه‌ها پاسخ دهند (اصلاً، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد). آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۸۱۲ است.

منزلت شغلی^۵: براساس دسته‌بندی کاظمی‌پور [۱۶] منزلت شغلی در پنج گروه مختلف دسته‌بندی شد. سپس این پنج گروه به سه دسته منزلت شغلی بالا (۱ و ۲)، منزلت شغلی متوسط (۳) و منزلت شغلی پایین (۴ و ۵) تقسیم‌بندی شدند که اعداد بزرگ‌تر نشان‌دهنده منزلت شغلی بالاتر است.

درآمد^۶: در ۵ سطح (شامل: زیر ۷۵۰ هزار تومان، از ۷۵۰ هزار تومان تا ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان، از ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان تا ۳ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان، از ۳ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان تا ۵ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان و بالاتر از ۵ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان) سنجیده شد. سپس به سه سطح درآمد بالا، متوسط و پایین تبدیل شد که اعداد بزرگ‌تر نشان‌دهنده درآمد بالاتر است.

تفاوت درآمد^۷: از تفاضل درآمد فرد از همسرش، متغیر تفاوت درآمد در سطح فاصله‌ای ساخته شد.

1. dual-worker family
2. locksley
3. single-worker family
4. money spending
5. occupational status
6. Income
7. income differences

تفاوت منزلت شغلی^۱: از تفاضل منزلت شغلی فرد از همسرش، متغیر تفاوت منزلت شغلی در سطح فاصله‌ای ساخته شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

از هزار و ۷۳۶ نمونه به دست آمده این پژوهش ۴۸/۶ درصد مرد و ۵۱/۴ درصد زن بودند. در این نمونه، ۳۸/۳ درصد از مردان متأهل در دامنه سنی زیر ۴۰ سال، ۳۶ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۲۵/۷ درصد ۵۵ سال و بالاتر بودند. همچنین ۴۹/۴ درصد از زنان متأهل زیر ۴۰ سال، ۳۴ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۱۶/۶ درصد ۵۵ سال و بالاتر بوده‌اند. ترکیب جنسی و سنی نمونه نشان می‌دهد نمونه به دست آمده معرف جامعه آماری است. به لحاظ وضعیت تحصیلی، ۳/۵ درصد از این افراد بی‌سواد، ۷/۶ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۲ درصد راهنمایی، ۱۱/۲ درصد متوسطه، ۳۲/۲ درصد پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۶/۷ درصد فوق دیپلم، ۲۱/۷ درصد لیسانس، ۴/۲ درصد فوق لیسانس، ۰/۲ درصد دکتری عمومی و ۰/۶ درصد دکتری تخصصی بودند. به لحاظ شغلی، بیش از نیمی از افراد شاغل و حدود ۷ درصد بازنشسته بودند. حدود ۵۱/۴ درصد از این افراد شاغل، ۳۸/۸ درصد خانه‌دار، ۰/۹ درصد دانشجوی، ۶/۸ درصد بازنشسته، ۱/۱ درصد بیکار، ۰/۹ درصد دارای درآمد بدون کار و ۰/۱ درصد سایر موارد بوده است. به لحاظ سطح درآمد ۳۸/۸ درصد از این افراد بدون درآمد بودند یا فقط یارانه‌گیر بودند. حدود ۴/۲ درصد دارای درآمد زیر ۷۵۰ هزار تومان و ۳۴/۱ درصد درآمد از ۷۵۰ هزار تومان تا ۲۲۵۰ هزار تومان داشتند. حدود ۱۴/۷ درصد درآمد از ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان تا ۳ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان داشتند. ۶/۱ درصد درآمد از ۳ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان تا ۵ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان داشتند و ۲/۱ درصد درآمد بالاتر از ۵ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان را گزارش کرده‌اند. از هزار و ۷۳۶ نمونه بررسی شده، هزار و ۱۳۰ نفر (۶۵/۱ درصد) از افراد خانواده‌های تک‌شاغل و ۲۸۷ نفر (۱۶/۵ درصد) از افراد خانواده‌های هر دو شاغل و ۳۱۹ نفر (۱۸/۴ درصد) در دیگر گروه‌های شغلی قرار داشتند. جدول ۱ توزیع گویه‌های نشاط زناشویی را در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل نشان می‌دهد.

1. occupational status differences

جدول ۱. توزیع درصدی گویه‌های نشاط زناشویی در خانواده‌های تک‌شاغل و هردو شاغل

سوالات	گویه‌ها	تک‌شاغل				هردو شاغل										
		کم	متوسط	زیاد	جمع	کم	متوسط	زیاد	جمع							
										اصلی	چلی‌چلی	ناخودوی	زیاد	اصلی	چلی‌چلی	ناخودوی
همسرت چقدر شما را درک می‌کند؟	۲/۱	۶/۱	۶/۸	۳۴/۸	۱۴/۷	۳۵/۵	۱۰۰	۱۱۲۸	۳/۸	۶/۳	۴/۲	۱۹/۳	۵۰/۳	۱۶/۱	۱۰۰	۲۸۶
همسرت چقدر به شما محبت می‌کند؟	۱/۴	۳/۹	۵/۲	۲۷/۳	۱۶/۷	۴۵/۵	۱۰۰	۱۱۲۸	۲/۴	۴/۲	۴/۵	۱۶/۴	۵۲/۳	۲۰/۲	۱۰۰	۲۸۷
چقدر از رابطه جنسی با همسرتان رضایت دارید؟	۱/۵	۲/۱	۲/۷	۲۹/۱	۱۸/۱	۴۶/۵	۱۰۰	۱۱۱۰	۲/۸	۳/۸	۳/۱	۱۶/۲	۴۷/۹	۲۶/۲	۱۰۰	۲۸۶
چقدر از رابطه همسرتان به فرزندان رضایت دارید؟	۰/۷	۱/۳	۲/۸	۱۹/۸	۱۹/۴	۵۶	۱۰۰	۹۶۶	۱	۳/۶	۱/۵	۱۴/۸	۵۲/۶	۲۶/۵	۱۰۰	۱۹۶
در خانواده شما چقدر همسرتان به وظیفه خود عمل می‌کند؟	۰/۸	۱/۴	۲/۲	۳۲/۱	۱۵/۱	۴۸/۴	۱۰۰	۱۱۱۷	۲/۱	۳/۵	۲/۸	۲۱/۱	۵۴	۱۶/۵	۱۰۰	۲۸۵
چقدر از وفاداری همسر خود راضی هستید؟	۱/۱	۱/۷	۱/۱	۱۲/۷	۲۶/۲	۵۷/۲	۱۰۰	۱۱۲۲	۲/۱	۳/۱	۱	۱۰/۲	۵۱/۲	۳۲/۴	۱۰۰	۲۸۷
چقدر از وضعیت مالی خانواده خود راضی هستید؟	۴/۲	۶	۹/۴	۵۴/۷	۳	۲۲/۷	۱۰۰	۱۱۲۴	۲/۵	۵/۳	۲/۸	۴۸/۲	۳۳/۸	۷/۴	۱۰۰	۲۸۴
چقدر از تقسیم کار خانگی میان خود و همسرتان راضی هستید؟	۱/۷	۲/۶	۶/۷	۲۹/۲	۷/۵	۵۲/۲	۱۰۰	۱۱۱۶	۲/۸	۴/۵	۳/۸	۲۰/۶	۵۵/۱	۱۳/۲	۱۰۰	۲۸۷
وقتی در خانه هستید شادی شما چقدر است؟	۰/۷	۳/۶	۶/۳	۲۸/۸	۸/۸	۵۱/۸	۱۰۰	۱۱۱۴	۰/۷	۳/۵	۵/۲	۱۹/۷	۵۵/۲	۱۵/۷	۱۰۰	۲۸۶
چقدر از ازدواج با همسرتان راضی هستید؟	۲/۳	۲/۲	۳/۵	۲۲/۲	۱۸/۳	۵۱/۵	۱۰۰	۱۱۲۳	۱/۷	۳/۸	۴/۲	۱۶/۱	۴۹/۵	۲۴/۷	۱۰۰	۲۸۷
خوشبختی شما در ازدواج نسبت به دوستان و همسالانتان چقدر است؟	۱/۱	۴/۴	۵	۳۷	۱۲/۹	۳۹/۶	۱۰۰	۱۱۱۸	۱/۷	۵/۶	۳/۵	۲۲/۱	۴۹/۳	۱۷/۸	۱۰۰	۲۸۶
عشق و علاقه شما به همسرتان چقدر است؟	۱/۳	۱/۶	۴/۴	۳۲/۴	۱۶/۹	۴۳/۴	۱۰۰	۱۱۱۹	۱/۷	۱/۴	۴/۲	۲۰/۳	۴۹/۷	۲۲/۷	۱۰۰	۲۸۶
معدل گویه‌ها	۱/۶	۳/۲	۴/۷	۳۰	۱۴/۷	۴۵/۸	۱۰۰	۱۱۰۷	۲/۱	۴/۱	۳/۴	۲۰/۴	۵۰/۱	۱۹/۹	۱۰۰	۲۷۹
										۹/۶		۲۰/۴		۷۰		

چنان‌که در جدول ۱ می‌بینیم، نشاط زناشویی در ۶۰/۵ درصد از خانواده‌های تک‌شاغل در سطح بالاست؛ درحالی‌که این میزان در خانواده‌های هردو شاغل به ۷۰ درصد می‌رسد. بنابراین، به‌رغم اعتقاد برخی پژوهش‌گران، که اشتغال زن موجبات نارضایتی زناشویی را فراهم می‌آورد،

این یافته نشان می‌دهد نشاط زناشویی در خانواده‌های هردو شاغل بیش از خانواده‌های تک‌شاغل است. جدول ۲ توزیع درصدی گویه‌های گرایش به طلاق در خانواده‌های تک‌شاغل و هردو شاغل را نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌بینیم، گرایش به طلاق در خانواده‌های هردو شاغل مختصری بالاتر از خانواده‌های تک‌شاغل است.

جدول ۲. توزیع درصدی گویه‌های گرایش به طلاق در خانواده‌های تک‌شاغل و هردو شاغل

سوالات	گویه‌ها	تک‌شاغل					هردو شاغل									
		کم	متوسط	زیاد	جمع		کم	متوسط	زیاد	جمع						
					درصد فراوانی	درصد فراوانی				درصد فراوانی	درصد فراوانی					
تابه‌حال چقدر در مورد طلاق فکر کرده‌اید؟	۷۶۴	۷۹	۳۳	۷۶	۳۱	۱۷	۱۰۰	۱۱۲۱	۷۷۳	۵۳	۴۳	۶۷	۲۵	۳۹	۱۰۰	۲۸۲
چقدر فکر می‌کنید زندگی زناشویی شما ممکن است در آینده از هم بپاشد؟	۷۶۴	۱۰۹	۳۳	۶۸	۰۹	۱۷	۱۰۰	۱۱۲۵	۶۸۲	۱۳۳	۵۲	۱۰۶	۰۳	۲۴	۱۰۰	۲۸۶
چقدر در مورد طلاق با دوستان نزدیک خود صحبت کرده‌اید؟	۸۳۶	۷۹	۳۹	۲۶	۱۲	۰۸	۱۰۰	۱۱۲۴	۸۳۶	۶۶	۲۸	۳۱	۱۴	۲۴	۱۰۰	۲۸۶
در سال‌های اخیر چقدر طلاق را به شکل جدی مطرح کرده‌اید؟	۸۳۹	۶۹	۳۴	۳۵	۱	۱۳	۱۰۰	۱۱۲۱	۸۳۳	۶	۳۲	۴۳	۰۷	۲۵	۱۰۰	۲۸۲
تابه‌حال به چه میزان سابقه جدایی از همسر تان داشته‌اید؟	۵۳۲	۲۷۵	۹۱	۷۶	۱۷	۰۹	۱۰۰	۱۱۲۵	۵۷۹	۲۶	۶	۶۵	۱۱	۲۵	۱۰۰	۲۸۵
معدل گویه‌ها	۷۴۷	۱۲۲	۴۶	۵۶	۱۶	۱۳	۱۰۰	۱۱۲۳	۷۴۱	۱۱۴	۴۳	۶۲	۱۲	۲۸	۱۰۰	۲۸۴
		۹۱،۵		۵،۶		۲،۹				۸۹،۸		۶،۲		۴		

یافته‌های تحلیلی

جدول ۳ میانگین نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در خانواده‌های تک‌شاغل و هردو شاغل را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول می‌بینیم، نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در خانواده‌های هردو شاغل و تک‌شاغل تفاوت معناداری ندارد. بنابراین، این فرضیه که میان نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در خانواده‌های هردو شاغل و خانواده‌های تک‌شاغل تفاوت معنادار

وجود دارد، پذیرفته نمی‌شود. نشاط زناشویی در مردان خانواده‌های هردو شاغل بیش از مردان خانواده‌های تک‌شاغل است و بنابراین فرضیهٔ نشاط زناشویی در مردان خانواده‌های تک‌شاغل و مردان خانواده‌های هردو شاغل باهم تفاوت معنادار دارد، پذیرفته می‌شود.

گرایش به طلاق در زنان خانواده‌های هردو شاغل با زنان خانواده‌های تک‌شاغل تفاوت معناداری ندارد. بنابراین، این فرضیه که گرایش به طلاق در زنان خانواده‌های تک‌شاغل و زنان خانواده‌های هردو شاغل باهم تفاوت معنادار دارد پذیرفته نمی‌شود. اما سؤالی که در اینجا مطرح است، این است که چرا برخی تحقیقات، اشتغال زنان را موجب گرایش به طلاق مطرح می‌کنند. جدول ۴ رابطهٔ میان نشاط زناشویی و گرایش به طلاق را نشان می‌دهد.

جدول ۳. آزمون اختلاف میانگین نشاط زناشویی و گرایش به طلاق برحسب خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل

اشتغال	تعداد میانگین آزمون آماری مقدار	کل		مردان		زنان	
		P	تعداد میانگین	P	تعداد میانگین	P	تعداد میانگین
تک‌شاغل	۳۳,۱۷۱۳	۱۱۳۰	۵۸۶	۲۴,۳۶۹۳	۵۴۴	۳۱,۸۸۰۹	۵۴۴
نشاط زناشویی	۲۸۷	۰/۰۵۴	۱۱۲	۳۶,۳۵۲۴	۶۹۶ = df	۳۲,۷۹۲۹	۱۷۵
تک‌شاغل	۲,۱۸۶۱	۱۱۳۰	۵۸۶	۲,۱۱۷۷	۵۴۴	۲,۲۵۹۸	۵۴۴
گرایش به طلاق	۲,۴۲۲۴	۲۸۷	۰/۳۴۸	۱,۶۲۶۸	۱۱۲	۲,۹۳۱۷	۱۷۵
نشاط زناشویی	۳۴,۱۸۲۰	۲۸۷	۰/۰۵۴	۳۸۹,۱۶۷ = df	۶۹۶ = df	۳۲,۷۹۲۹	۱۷۵
تک‌شاغل	۱,۹۳۶ = t			۳,۲۰۱ = t		۱,۲۴۹ = t	
گرایش به طلاق	۱,۹۳۹ = t			۱,۴۰۷ = t		۱,۶۹۵ = t	
نشاط زناشویی	۲۵۶,۷۰۳ = df			۲۵۶,۵۵۷ = df		۲۵۶,۵۵۷ = df	

جدول ۴. آزمون همبستگی نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل

نشاط زناشویی	گرایش به طلاق	تک‌شاغل	کل		مردان		زنان	
			P	همبستگی پیرسون	P	همبستگی پیرسون	P	همبستگی پیرسون
نشاط زناشویی	گرایش به طلاق	تک‌شاغل	۰/۰۶۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۶۳۵	۰/۰۰۰	۰/۰۶۰۷	۰/۰۰۰
نشاط زناشویی	گرایش به طلاق	هردو شاغل	۰/۰۷۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۷۶۰	۰/۰۰۰

چنان‌که در جدول ۴ می‌بینیم، میان نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در خانواده‌های هردو شاغل همبستگی بیشتری وجود دارد. همبستگی این دو متغیر در مردان خانواده‌های تک‌شاغل بیش از مردان خانواده‌های هردو شاغل است. همچنین، همبستگی این دو مؤلفه در زنان خانواده‌های هردو شاغل بیش از زنان خانواده‌های تک‌شاغل است. این یافته را می‌توان چنین توجیه کرد که اشتغال زنان و استقلال مالی ایشان می‌تواند مانعی برای گسستن زندگی زناشویی از سوی مردان و ابزاری برای گسستن زندگی زناشویی از سوی زنان باشد. اگر این مقایسه میان خانواده‌هایی که زن شاغل است با خانواده‌هایی که زن شاغل نیست انجام شود، آن‌گاه می‌بینیم میان اشتغال زنان و گرایش به طلاق رابطهٔ معناداری وجود دارد ($t = -۲/۳۱۴$ ، $df = ۲۵۰/۱۲۷$ ، $p = ۰/۰۲۱$). این

یافته تقویت‌کننده این ادعاست که اشتغال زنان ذاتاً موجبات ازهم‌گسیختگی زندگی زناشویی نیست، اما برای زنان توانایی گسست زندگی زناشویی ناخوشایند را هموار می‌کند. اما زندگی شغلی افراد می‌تواند زندگی زناشویی آن‌ها را از ابعاد دیگر نیز تحت‌تأثیر خود قرار دهد که از آن جمله می‌توان به شیوه هزینه‌کرد مالی یا تضاد میان کار شغلی و کار خانوادگی اشاره کرد. مطالعه پیشین ما نشان داد هزینه‌کرد مالی و تضاد میان کار و خانواده با نشاط زناشویی همبستگی دارد [۱۷]. جدول ۵ همبستگی نشاط زناشویی و گرایش به طلاق را با هزینه‌کرد مالی و تضاد کار و خانواده در میان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل نشان می‌دهد. در جدول ۵، می‌بینیم هزینه‌کرد مالی با نشاط زناشویی همبستگی مستقیم و با گرایش به طلاق همبستگی معکوس دارد و این همبستگی در خانواده‌های هردو شاغل بیش از خانواده‌های تک‌شاغل است و در زنان و مردان هر دو تیپ خانواده وجود دارد. زنان خانواده‌های هردو شاغل از هزینه‌کرد مالی اشتراکی نشاط زناشویی بیشتری دارند. زنان و مردان خانواده‌های هردو شاغل در صورت وجود کنش‌های فردگرایانه در هزینه‌کرد مالی گرایش بیشتری به طلاق دارند. همچنین، در جدول ۵ می‌بینیم در مردان خانواده‌های تک‌شاغل هرچه تنش میان محیط کار و خانواده افزایش یابد، گرایش به طلاق بیشتر می‌شود و این همبستگی در خانواده‌های هردو شاغل معناداری خود را از دست می‌دهد. می‌توان نتیجه گرفت تضاد میان کار و خانواده پایداری زندگی زناشویی خانواده‌های تک‌شاغل را تحت‌تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. جدول ۶ وضعیت هزینه‌کرد مالی و تضاد کار و خانواده در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل را نشان می‌دهد.

جدول ۵. آزمون همبستگی نشاط زناشویی و گرایش به طلاق با هزینه‌کرد مالی و تضاد کار و خانواده در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل

		مردان		زنان			
		P	همبستگی پیرسون	P	همبستگی پیرسون		
		مقدار		مقدار			
هزینه‌کرد مالی	تک‌شاغل	۰٫۲۵۹	۰٫۲۹۶	۰٫۲۶۱	۰٫۲۵۹	نشاط	
	هردو شاغل	۰٫۳۹۷	۰٫۲۲۳	۰٫۴۷۷	۰٫۳۹۷	زناشویی	
	تک‌شاغل	-۰٫۲۴۰	-۰٫۲۸۳	-۰٫۲۰۵	-۰٫۲۴۰	گرایش به طلاق	
تضاد کار و خانواده	هردو شاغل	-۰٫۴۵۰	-۰٫۴۸۳	-۰٫۴۴۳	-۰٫۴۵۰	نشاط	
	تک‌شاغل	۰٫۰۳۳	۰٫۲۷۱	۰٫۴۷۹	۰٫۰۳۳	زناشویی	
	هردو شاغل	۰٫۰۷۱	۰٫۲۲۹	۰٫۲۲۴	۰٫۰۷۱	گرایش به طلاق	
	تک‌شاغل	۰٫۱۰۶	۰٫۱۶۱	۰٫۱۱۳	۰٫۱۰۶		
	هردو شاغل	-۰٫۰۲۰	۰٫۰۷۳۱	-۰٫۰۰۱	۰٫۰۷۳۱		

جدول ۶. آزمون اختلاف میانگین هزینه کرد مالی و تضاد کار و خانواده برحسب خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل

تعداد میانگین آزمونی	مقدار P	تعداد میانگین آزمونی	مقدار P	تعداد میانگین آزمونی	مقدار P	کل		تک‌شاغل	هردو شاغل
						مردان	زنان		
۱۱۳۰	۰/۰۰۱	۱۱۲	۰/۰۰۰	۱۱۳۰	۰/۰۰۰	۵۵۳۵۷	۵۴۴	۱۱۳۰	۲۸۷
۵۴۴	۰/۰۰۰	۵۸۶	۰/۰۰۰	۵۸۶	۰/۰۰۰	۵۴۴	۵۸۶	۱۱۳۰	۲۸۷
۱۱۳۰	۰/۰۰۰	۱۱۲	۰/۰۰۰	۱۱۳۰	۰/۰۰۰	۵۴۴	۵۸۶	۱۱۳۰	۲۸۷
۵۴۴	۰/۰۰۰	۵۸۶	۰/۰۰۰	۵۸۶	۰/۰۰۰	۵۴۴	۵۸۶	۱۱۳۰	۲۸۷

چنان که در جدول ۶ می‌بینیم، هزینه کرد مالی اشتراکی در خانواده‌های هردو شاغل هم در زنان و هم در مردان بیش از خانواده‌های تک‌شاغل است و رفتارهای فردگرایانه در هزینه کرد مالی که با نشاط زناشویی همبستگی معکوس دارد در خانواده‌های تک‌شاغل بیشتر دیده می‌شود. بنابراین، این فرضیه که تفاوت هزینه کرد مالی در خانواده‌های هردو شاغل با خانواده‌های تک‌شاغل است، پذیرفته می‌شود. این یافته نشان می‌دهد اشتغال زنان رفتارهای فردگرایانه مالی در زندگی زناشویی زنان را افزایش نمی‌دهد و زنان از منابع مالی خود برای انسجام بیشتر با همسر استفاده می‌کنند. همچنین، تضاد میان کار و خانواده در خانواده‌های هردو شاغل کمتر است. بنابراین فرضیه تفاوت معنادار تضاد کار و خانواده در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل پذیرفته می‌شود. به نظر می‌رسد در خانواده‌های هردو شاغل به واسطه فضای احساسی و فیزیکی مشترکی که ایجاد می‌شود درک متقابل افزایش می‌یابد و این گونه تنش‌ها پایداری خانواده را کمتر نشانه می‌گیرد. حال سؤال اینجاست که آیا با افزایش درآمد و منزلت شغلی زنان نشاط زناشویی کاهش و گرایش به طلاق افزایش می‌یابد یا خیر؟ جدول ۷ آزمون تحلیل واریانس نشاط زناشویی و گرایش به طلاق را برحسب درآمد در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل نشان می‌دهد. در جدول ۷ می‌بینیم نشاط زناشویی در افراد در خانواده‌های تک‌شاغل با درآمد متوسط بیش از افراد با درآمد پایین (MD=۱/۹۸۴۵ و مقدار P=۰/۰۱۴) و بالاست (MD=۲/۹۳۳۱۵ و مقدار P=۰/۰۰۰) همچنین، نشاط زناشویی مردان تک‌شاغل با درآمد بالا کمتر از درآمد متوسط (P=۰/۰۰۴) مقدار و (MD=-۲/۰۳۴۱۵) است. بنابراین، نشاط زناشویی در خانواده‌های تک‌شاغل بیش از خانواده‌های هردو شاغل متأثر از درآمد است. همچنین، نشاط زناشویی مردان در خانواده‌های تک‌شاغل بیشتر متأثر از درآمد است. در ضمن، می‌بینیم نشاط زناشویی زنان خانواده‌های تک‌شاغل با درآمد پایین کمتر از درآمد متوسط است (P=۰/۰۲۳ و MD=-۲/۸۵۷۶۴). این یافته نشان می‌دهد برخلاف ادعای برخی، افزایش درآمد زنان موجب گسست روابط زناشویی نمی‌شود و اتفاقاً برعکس، نشاط زناشویی مردان متأثر از درآمدشان است و این تأثیر

منفی نیز است، زیرا با افزایش درآمد، نشاط زناشویی در ایشان کاهش می‌یابد. تأثیر درآمد در خانواده‌های هردو شاغل معنادار نیست. از این یافته می‌توان چنین نتیجه گرفت که افزایش درآمد زنان گسست در زندگی زناشویی را ایجاد نمی‌کند و تأثیر منفی درآمد بر زندگی زناشویی مردان را نیز تعدیل می‌بخشد.

در جدول ۸، آزمون تحلیل واریانس نشاط زناشویی و گرایش به طلاق برحسب منزلت شغلی آورده شده است. چنان‌که می‌بینیم، نتایج مشابه با درآمد در مردان تک‌شاغل دیده می‌شود. نشاط زناشویی خانواده‌های تک‌شاغل با منزلت شغلی بالا کمتر از منزلت شغلی متوسط ($P=0.032$ مقدار $MD=-1.68354$) است. نشاط زناشویی مردان تک‌شاغل در منزلت شغلی بالا پایین‌ترین میانگین را دارد. مردان تک‌شاغل با منزلت شغلی بالا کمتر از منزلت شغلی متوسط ($P=0.034$ مقدار $MD=-1.66100$) است. نتایجی که نشان دهد افزایش منزلت شغلی در زنان با گسست زندگی زناشویی همراه است به چشم نمی‌خورد.

جدول ۷. آزمون تحلیل واریانس نشاط زناشویی و گرایش به طلاق برحسب درآمد در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل

اشتغال درآمد	کل		مردان		زنان		
	تعداد میانگین	F	تعداد میانگین	F	تعداد میانگین	F	
پایین	۳۱،۸۵۲۰۵۵۴		۳۴،۴۶۹۹	۲۸	۳۱،۷۱۲۷۵۲۶		
تک‌شاغل متوسط	۳۱،۸۵۲۰۵۵۴	۰،۰۰۰۲۵/۴۸۸۳۴۷۸۵۲	۳۴،۴۶۹۹	۴۵۲	۳۱،۷۱۲۷۵۲۶	۰،۰۱۳۴/۳۵۴۳۶۵۷۰۳	
نشاط	بالا	۳۲،۸۰۰۶۱۰۵	۳۲،۶۸۷۸	۱۰۳	۳۸،۶۰۸۶	۲	
زناشویی	پایین	۳۱،۲۳۴۴	۲۳	۳۸،۵۵۶۱	۲	۳۰،۵۳۷۱	۲۱
هردو شاغل	متوسط	۳۴،۴۴۰۷۲۳۹	۳۴،۴۴	۹۲	۳۶،۵۴۷۰	۰،۴۴۹۰/۸۰۵۳۳/۱۲۲۵	
	بالا	۳۴،۴۱۹۹	۲۵	۳۵،۱۱۳۰	۱۸	۳۲،۶۳۷۵	۷
	پایین	۲۲،۵۷۶	۵۵۴	۱،۳۲۴۵	۲۸	۲۳،۰۷۲	۵۲۶
تک‌شاغل متوسط	۳۱،۸۵۲۰۵۵۴	۰،۰۰۰۹۶/۲،۳۴۳	۳۱،۸۵۲۰۵۵۴	۴۵۲	۳۱،۷۱۲۷۵۲۶	۰،۰۱۴۴۱/۹۴۷	
گرایش به طلاق	بالا	۲،۸۰۴۰	۱۰۵	۲،۷۷۶۹	۱۰۳	۴،۲۰۰۵	۲
	پایین	۴،۰۱۱۱	۲۳	۴،۲۳۳۰	۲	۳،۹۹۰۰	۲۱
هردو شاغل	متوسط	۲،۳۱۳۵	۲۳۹	۱،۶۶۵۷	۹۲	۲،۷۱۸۹	۱۴۷
	بالا	۲،۰۰۲۲	۲۵	۱،۱۳۷۹	۱۸	۴،۲۲۴۷	۷

جدول ۸. آزمون تحلیل واریانس نشاط زناشویی و گرایش به طلاق برحسب منزلت شغلی در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل

اشتغال	منزلت		کل		مردان		زنان	
	تعداد میانگین	P	تعداد میانگین	P	تعداد میانگین	P	تعداد میانگین	P
نشاط زناشویی	پایین	۰/۳۳۳/۴۳۲۳۴/۶۹۱۹۴۷۲	۳۳/۴۶۵۵	۱۹	۳۳/۴۶۵۵	۱۹	۳۳/۹۵۵۵	۲
	متوسط	۰/۳۶۳/۳۵۰۳۴/۶۶۹۱۴۷۵	۳۳/۰۰۸۱	۹۲	۳۳/۰۰۸۱	۹۲	۲۳/۹۵۵۵	۲
	بالا	۰/۱۹۰/۱/۶۶۸۳۴/۱۵۰۴۲۳۴	۳۴/۶۹۷۴	۵۰	۳۴/۰۸۸۰	۲۳	۰/۲۷۹۱/۲۸۶۳۲/۶۸۸۳۱۴۹	۰/۳۱۴۱/۰۲۲
گرایش به طلاق	پایین	۰/۱۲۳۲/۱۰۳۱/۹۸۱۲	۲/۲۳۰۶	۱۹	۲/۲۳۰۶	۱۹	۳/۳۶۰۰	۲
	متوسط	۰/۱۲۳۲/۱۰۳۱/۹۸۱۲	۲/۷۷۷۴	۹۲	۲/۷۷۷۴	۹۲	۰/۹۸۲۰/۰۱۸۲/۹۲۲۸	۱۴۹/۰/۹۱۰۰/۰۱۳
	بالا	۰/۹۱۲۰/۰/۹۲۲/۴۵۹۰	۲/۲۶۲۵	۵۰	۳/۰۷۹۵	۲۳		

جدول ۹. آزمون همبستگی نشاط زناشویی و گرایش به طلاق با تفاوت درآمد و تفاوت منزلت شغلی در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل

تفاوت درآمد	تفاوت منزلت شغلی	کل		مردان		زنان	
		همبستگی پیرسون	P مقدار	همبستگی پیرسون	P مقدار	همبستگی پیرسون	P مقدار
تفاوت درآمد	نشاط زناشویی	۰/۱۶۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۴	۰/۰۰۶	۰/۰۴۶	۰/۲۹۱
	گرایش به طلاق	۰/۱۴۶	۰/۰۱۴	۰/۰۳۴	۰/۷۲۴	۰/۰۲۲	۰/۷۷۰
	گرایش به طلاق	-۰/۰۲۰	۰/۵۰۴	۰/۰۳۵	۰/۳۹۸	-۰/۰۶۴	۰/۱۳۶
تفاوت منزلت شغلی	نشاط زناشویی	-۰/۰۶۵	۰/۲۷۵	-۰/۰۴۱	۰/۶۶۹	۰/۰۷۹	۰/۳۰۴
	گرایش به طلاق	-۰/۰۰۱	۰/۹۹۱	-۰/۰۶۸	۰/۴۹۷	-۰/۰۲۴	۰/۷۵۸
	گرایش به طلاق	۰/۰۵۵	۰/۳۶۷	۰/۰۶۶	۰/۵۱۱	۰/۰۹۰	۰/۲۳۶

در جدول ۹، همبستگی نشاط زناشویی و گرایش به طلاق با تفاوت درآمد و تفاوت منزلت شغلی نشان داده شده است. اطلاعات جدول ۹ نشان می‌دهد خانواده‌های تک‌شاغل بیش از خانواده‌های هردو شاغل متأثر از منزلت شغلی هستند و این تأثیر در مردان بیش از زنان است. چنان‌که در جدول ۹ می‌بینیم، در مردان خانواده‌های تک‌شاغل هرچه تفاوت درآمد بیشتر باشد، نشاط زناشویی پایین‌تر است. بنابراین، یافته‌های پیشین، که درآمد و منزلت شغلی بر زندگی زناشویی مردان تأثیر منفی دارد ولی زندگی زناشویی زنان را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، دوباره تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی بودیم که آیا اشتغال زنان متأهل موجبات ناپایداری زندگی زناشویی را فراهم می‌آورد؟ بر این اساس، پیمایشی با ابزار پرسش‌نامه در شهر تهران انجام شد و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای هزار و ۷۳۶ نمونه انتخاب و تجزیه و تحلیل نهایی شد. نمونه‌ها افراد متأهل شهر تهران بودند و از هر خانواده مرد یا زن به مصاحبه دعوت شدند. بنابراین، این امکان به وجود آمد که با مقایسه خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل بتوانیم تأثیر اشتغال بر پایداری زندگی زناشویی را با دو مؤلفه نشاط زناشویی و گرایش به طلاق بررسی کنیم. همچنین، بتوانیم یافته‌های خود را به خانواده‌های شهر تهران تعمیم دهیم و تفاوت‌های جنسیتی را نیز استخراج کنیم که مجموع این یافته‌ها در کمتر تحقیقی به چشم می‌خورد. یافته‌ها نشان داد تفاوت معناداری میان نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در خانواده‌های هردو شاغل با خانواده‌های تک‌شاغل وجود ندارد. این یافته، با نتایج تحقیقات وایت (۱۹۸۳)، لاکسلی (۱۹۸۰)، صادق مقدم و همکاران (۱۳۸۵)، خسروی و همکاران (۱۳۸۹) همسو بود. آن‌ها نیز تفاوتی میان نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در این دو تیپ خانواده گزارش نکرده‌اند. همچنین با تئوری کارکردگرایان، پارسونز، شلسکی و نتایج تحقیقات بکر (۱۹۸۱) و دوکانه‌ای فرد و همکاران (۱۳۹۱) مغایر بود، زیرا آن‌ها نشان داده‌اند رضایت زناشویی در خانواده‌های تک‌شاغل بیش از خانواده‌های هردو شاغل است. همچنین، دیدیم نشاط زناشویی در مردان خانواده‌های هردو شاغل بیش از مردان خانواده‌های تک‌شاغل است. این یافته را در تحقیق میرزایی و همکاران (۱۳۹۳) نیز دیدیم که مغایر با نتیجه‌ای بود که خسروی و همکاران (۱۳۸۹) گزارش کرده بودند.

همبستگی بالای نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در زنان شاغل نیز این یافته را تقویت می‌کند که اشتغال زنان ذاتاً موجب گرایش بیشتر ایشان به طلاق نمی‌شود و چیزی که موجب می‌شود گرایش به طلاق در میان زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار باشد استفاده از منابع مالی و قدرت حاصل از آن در جهت گسست زندگی متلاطم زناشویی است. چنان‌که دیدیم، میان

نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در خانواده‌های هردو شاغل همبستگی بیشتری وجود دارد. همبستگی این دو مؤلفه در مردان خانواده‌های تک‌شاغل بیش از مردان خانواده‌های هردو شاغل است. همچنین، همبستگی این دو مؤلفه در زنان خانواده‌های هردو شاغل بیش از زنان خانواده‌های تک‌شاغل است. این یافته را می‌توان چنین توجیه کرد که اشتغال زنان و استقلال مالی ایشان می‌تواند مانعی برای گسستن زندگی زناشویی از سوی مردان و ابزاری برای گسستن زندگی زناشویی ناخوشایند از سوی زنان باشد. بنابراین، گرایش زنان شاغل به طلاق در صورتی بیش از زنان خانواده‌های تک‌شاغل است که رضایت ایشان از زندگی زناشویی پایین‌تر باشد. این یافته با تئوری مبادله، تئوری فرصت اقتصادی و همچنین نتایج تحقیقات سایر و بیانچی (۲۰۰۰)، شون و همکاران (۲۰۰۲)، تیمچن (۲۰۱۰)، مونتالتو (۱۹۹۴)، راکلز (۱۹۹۷)، خضری و سیاهپوش (۱۳۹۳) و اسفندیار (۱۳۸۴) همسو بود.

دیدیم هزینه‌کرد مالی با نشاط زناشویی همبستگی مستقیم و با گرایش به طلاق همبستگی معکوس دارد و در زنان و مردان هر دو خانواده وجود دارد و این همبستگی در خانواده‌های هردو شاغل بیش از خانواده‌های تک‌شاغل است. زنان خانواده‌های هردو شاغل از هزینه‌کرد مالی اشتراکی نشاط زناشویی بیشتری دارند. زنان و مردان خانواده‌های هردو شاغل در صورت وجود کنش‌های فردگرایانه در هزینه‌کرد، گرایش به طلاق بیشتری دارند. هزینه‌کرد مالی اشتراکی در خانواده‌های هردو شاغل، هم در زنان و هم در مردان، بیش از خانواده‌های تک‌شاغل است و رفتارهای فردگرایانه در هزینه‌کرد مالی که با نشاط زناشویی همبستگی معکوس دارد در خانواده‌های تک‌شاغل بیشتر دیده می‌شود. این یافته در تحقیق رازیورویچ (۲۰۰۲) نیز نشان داده شده بود. بنابراین، اشتغال زنان زمینه رفتارهای جمع‌گرایانه میان همسران را افزایش می‌دهد.

در خانواده‌های تک‌شاغل تضاد میان محیط کار و خانواده با افزایش گرایش به طلاق همراه است. بنابراین، تضاد میان کار و خانواده بیشتر پایداری زندگی زناشویی خانواده‌های تک‌شاغل را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد و به نظر می‌رسد در خانواده‌های هردو شاغل به واسطه فضای احساسی و فیزیکی مشترکی که ایجاد می‌شود این‌گونه تنش‌ها پایداری خانواده را کمتر نشانه می‌گیرد. تضاد میان کار و خانواده در خانواده‌های هردو شاغل کمتر است و این یافته با تحقیق رستگار خالد (۱۳۸۵) متفاوت است که تضاد میان کار و خانواده در خانواده‌های هردو شاغل را گزارش کرده بود. البته، تضاد میان کار و خانواده در هر دو تیپ خانواده می‌تواند وجود داشته باشد و تحقیق رستگار خالد از آنجا که مقایسه‌ای میان این دو نوع خانواده انجام نداده آن را گزارش کرده است و ما با مقایسه نشان دادیم این تضادها در خانواده‌های هردو شاغل کمتر است. همچنین، در این تحقیق دیدیم زندگی زناشویی خانواده‌های تک‌شاغل بیش از خانواده‌های هردو شاغل متأثر از درآمد و منزلت شغلی است و این عوامل بیشتر در مردان اثرگذارند تا در

زنان. افزایش درآمد در زنان با گرایش به طلاق ارتباط ندارد و چنان که دیدیم، راجرز و دی-بر (۲۰۰۱) نیز به این یافته اشاره کرده‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال زنان و کسب موقعیت اقتصادی اجتماعی بالاتر زنان اثر سوئی بر زندگی زناشویی نداشته و بالعکس تأثیرات منفی اشتغال بر زندگی زناشویی مردان را تعدیل می‌بخشد.

به‌طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت در این تحقیق یافته‌هایی که نشان دهد اشتغال زنان پایداری خانواده را تضعیف می‌کند مشاهده نشد، اما اشتغال زنان منابعی را برایشان فراهم می‌کند که می‌توانند از آن در انحلال زندگی زناشویی ناخوشایند استفاده کنند. ارتقای اقتصادی اجتماعی زنان با پایداری خانواده در تضاد نیست و زنان از اشتغال در جهت قوام خانواده استفاده می‌کنند. اشتغال زنان نه تنها موجب گسست زندگی زناشویی نمی‌شود، بلکه در برخی ابعاد فضای مشترکی را ایجاد می‌کند که در آن فضا رفتارهای جمع‌گرایانه میان همسران تقویت می‌شود. یافته‌های این تحقیق تأییدکننده تئوری‌های مبادله، فرصت اقتصادی و اقتصاد خانه جدید است. در حوزه اشتغال و روابط میان همسران، از آنجا که به‌ویژه مردان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بهتر است به همسان‌همسری توجه شود و با توجه به اینکه نشاط زناشویی و گرایش به طلاق متأثر از شرایط شغلی است، به‌کارگیری سیاست‌های مناسب اشتغال می‌تواند در پایداری خانواده کمک‌کننده باشد. همچنین، بررسی عمیق‌تر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در گروه‌های مختلف شغلی و درآمدی، رابطه میان تقسیم کار خانگی و نشاط زناشویی در خانواده‌های تک‌شاغل و هردو شاغل پیشنهاد می‌شود.

منابع

- [۱] ابراهیمی، جعفر؛ صالحی، فرزانه (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار»، فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناسی، س ۴، ش ۱۳، ص ۴۷-۶۰.
- [۲] اسفندیار، سرور (۱۳۸۴). «اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق، ماه‌نامه علمی، فرهنگی و اجتماعی زنان»، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ش ۱۸، ص ۲۷-۲۰.
- [۳] اسماعیل‌پور، خلیل (۱۳۹۲). «مقایسه ابعاد رضایت زناشویی زنان دارای مشاغل دولتی، آزاد و زنان خانه‌دار»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، س ۸، ش ۲۹، صص ۴۷-۳۰.
- [۴] اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده؛ با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ج ۲.
- [۵] حبیب‌پور، کرم؛ صفری، رضا (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کیفی)، تهران: لویه، متفکران.
- [۶] حیدری، محمود؛ حسین‌پور، سوسن (۱۳۸۵). «تأثیر نوبت کاری بر رضامندی زناشویی پرستاران»، فصل‌نامه خانواده‌پژوهشی، س ۲، ش ۸، ص ۳۴۱-۳۵۷.

- [۷] خسروی، معصومه؛ اعظمی، سعید؛ الهی‌فر، علی؛ دکانی، مینا (۱۳۸۹). «مقایسه رضایت زناشویی زوجین هردو شاغل با زوجین تک‌شاغل با توجه به سلامت عمومی آنان»، فصل‌نامه زن و مطالعات خانواده، س ۲، ش ۸، ص ۳۷-۲۷.
- [۸] خصری، خدیجه؛ ارجمند سیاهپوش، اسحق (۱۳۹۳). «مقایسه میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر ایذه»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی/ایران، س ۶، ش ۴، ص ۹۷-۱۰۵.
- [۹] دوکانه‌ای فرد، فریده؛ حسنی، فریبا؛ مظفرپور، مینا (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای تعارضات زناشویی خانواده‌های هردو شاغل و یکی شاغل و سلامت روان فرزندان دختر دوره متوسطه سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ شهر تهران»، فصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی، ش اول، ص ۵۵-۸۳.
- [۱۰] رستگار خالد، امیر (۱۳۸۵) خانواده، کار، جنسیت، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- [۱۱] زعفرانچی، لیلیاسادات (۱۳۸۸). «اشتغال زنان»، مجموعه مقالات و گفت‌وگوها، ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- [۱۲] صادق‌مقدم، لیلا؛ عسکری، فریبا؛ معروضی، پرویز؛ شمس، هدایت‌اله؛ طهماسبی، سیمین (۱۳۸۵). «رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار و همسران آن‌ها در شهر گناباد»، اقق دانش، دوره ۱۲، ش ۲، ص ۴۵-۵۰.
- [۱۳] طهماسبی، سیمین؛ مقدسی، جعفر؛ علوی، اعظم؛ مرادی، محمدتقی (۱۳۸۵). «بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت‌مندی از زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار شهر کرد»، مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، دوره ۱۴، ش ۲۶، ص ۲۰-۲۵.
- [۱۴] عنایت، حلیمه؛ دسترنج، منصوره (۱۳۸۷). «بررسی رابطه اشتغال زنان با عزت نفس آنان با تأکید بر عوامل جمعیتی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۷، ش اول، ص ۸۲-۹۶.
- [۱۵] کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ج ۲)، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- [۱۶] کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۸). «الگوی تعیین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۳۹-۱۷۲.
- [۱۷] مدیری، فاطمه (۱۳۹۴). «بررسی سبک زندگی متاهلین و تعیین‌کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر تهران)»، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- [۱۸] مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- [۱۹] مطیع حق‌شناس، نادر (۱۳۸۱). «بررسی تطبیقی نرخ اشتغال و بیکاری جمعیت در استان‌های مختلف کشور»، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی

- ایران، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ص ۴۴۴-۴۱۷.
- [۲۰] _____ (۱۳۹۲). «تأثیر تحولات ساختار سنی جمعیت بر عرضه نیروی انسانی و وضع فعالیت اقتصادی در ایران و آینده‌نگری آن تا افق ۱۴۰۴»، فصل‌نامه مطالعات جمعیتی، س اول، ش ۲، ص ۱۱۵-۸۹.
- [۲۱] مک‌کارتی، جین ریبنز؛ ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: علم.
- [۲۲] نظری، علی محمد؛ سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۸۶). «بررسی و مقایسه رضایت زناشویی زوج‌های هردو شاغل و یکی شاغل»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، دوره ۶، ش ۲۴، ص ۱۲۲-۱۰۳.
- [۲۳] هوفمن، سول؛ اورت، سوزان (۱۳۹۰). زنان و اقتصاد خانواده، کار و درآمد، ترجمه محمود دانشور کاخکی، سیاوش دهقان‌یان و فرخ‌دین قزلی، نشر دانشگاه فردوسی مشهد.
- [24] Hill, M. S (1988) "Marital Stability and Spouses Shared Time", *Family Issues*, Vol 9, No 4, PP 427- 451.
- [25] International Labour Organization (2016) Available in <http://www.ilo.org/global/about-the-ilo/lang--en/index.htm>
- [26] Juhee, P. & Time F. L. (2000) "The effect multiple roles of south Korean married women professor: role changes and the factors which influence potential role Gratification ad strain", *Sex roles*, Vol 43, 571-591.
- [27] Kopelman, R. E., Greenhaus, J. H., & Connolly, T. F. (1983) "A model of work, family, and interrole conflict: A construct validation study", *Organizational Behavior and Human Performance*, 32,198-215.
- [28] Locksley, A. (1980) "On the effects of wives' employment on marital adjustment and companionship", *Journal of Marriage and the Family*, 337-346.
- [29] Montalto, C. P. (1994) "Married women's labor force participation as divorce insurance", *Financial Counseling and Planning*, 5, 191-206.
- [30] Raz-Yurovich, L. (2012) "Economic determinants of divorce among dual-earner couples: Jews in Israel", *European Journal of Population/Revue européenne de Démographie*, 28(2), 177-203.
- [31] Rogers, S. J., & DeBoer, D. D. (2001) "Changes in Wives' Income: Effects on Marital Happiness", Psychological Well Being, and the Risk of Divorce", *Journal of Marriage and Family*, 63(2), 458-472.
- [32] Sacco, W. P., Dumont, C. P., & Dow, M. G. (1993) "Attributional, perceptual, and affective responses to depressed and nondepressed marital partners", *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(6), 1076.
- [33] Sayer, L. C., & Bianchi, S. M. (2000) "Women's Economic Independence and the Probability of Divorce A Review and Reexamination", *Journal of Family Issues*, 21(7), 906-943.

- [34] Schoen, R., Astone, N. M., Kim, Y. J., Rothert, K., & Standish, N. J. (2002) "Women's employment, marital happiness, and divorce", *Social forces*, 81(2), 643-662.
- [35] Teachman, J. (2010) "Wives' economic resources and risk of divorce", *Journal of Family Issues*, 31(10), 1305-1323.
- [36] Tsang, L. L. W., Harvey, C. D., Duncan, K. A., & Sommer, R. (2003) "The effects of children, dual earner status, sex role traditionalism, and marital structure on marital happiness over time", *Journal of Family and Economic Issues*, 24(1), 5-26.
- [37] White, L. K. (1983) "Determinants of spousal interaction: Marital structure or marital happiness", *Journal of Marriage and the Family*, 511-519.
- [38] Xu, X., & Lai, S. (2004) "Gender ideologies, marital roles, and marital quality in Taiwan", *Journal of Family Issues*, 25(3), PP 318-355.